

## جلسه هجدهم: تعاون (قسمت اول)

### چیستی تعاون

تعاون از عون به معنی یاری کردن می‌آید. می‌گویند فلانی معاون است یعنی یاری می‌کند. یکی از توصیه‌هایی که در قرآن به صراحت آمده و در روایات ما روی آن خیلی تأکید شده است، بحث تعاون و همیاری است، همدلی، به مدد هم رسیدن، به هم کمک کردن. کلمه تعاون فقط در یک آیه قرآن است «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده/۲)

بر نیکی یکدیگر را یاری کنید. یک کسی می‌خواهد یک خدمتی کند شما هم کمکش کن. اما بر گناه تعاون نکنید. رسول خدا ۶ فرمودند: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (تهذیب؛ ج ۶ ص ۱۸۱) اگر در جامعه‌ای سه چیز وجود داشته باشد این جامعه در خیر و نیکی به سر می‌برد. یکی امر به معروف یکی نهی از منکر و سوم تعاون بر نیکی.

### موارد تعاون

**۱- تعاون در اقامه حق:** حق کسی را ضایع کرده‌اند، اگر بروید و شهادت بدهید، اگر فریاد بزنید، این حق غصب نمی‌شود. در انقلاب اگر مردم در خانه‌هایشان می‌نشستند شعار می‌دادند که شاه ریشه کن نمی‌شد به خیابان آمدند و تعاون کردند. امیرالمؤمنین ۷ فرمود: «طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَ أَمَانَةٌ» (غررالحکم؛ ۹۷۷) طلب کردن یاری بر پای داشتن حق دینداری و امانتداری است.

کتمان حق گناه کبیره است: یکی از بزرگ‌ترین گناه‌ها کتمان حق است. خدا در قرآن بعضی جاها می‌فرماید: لعنت خدا، بعضی جاها می‌فرماید لعنت خدا و ملائکه، اما یک جا می‌فرماید لعنت خدا و ملائکه و هر چه لعنت کننده در این عالم است، بر کسانی که حق را کتمان می‌کنند. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَلْهَدَىٰ مِنْ بَيْنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره/۱۵۹)

مشکل یهود این بود که تعاون در موضوع اقامه حق نکردند. پیامبر گرامی اسلام ۹ که آمد این‌ها پیامبر را مثل پسر خودشان می‌شناختند «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (بقره/۱۴۶ - انعام/۲۰) اما سکوت کردند و گفتند نه این آن پیامبر نیست. خیلی از این سکوت‌ها در طول تاریخ بوده است. این که مقام معظم رهبری یک وقتی اشاره کردند به رسالت خواص، همین موضوع است. «علی ابن ابی حمزه بطائنی» و «زیاد قندی» نمایندگان امام کاظم ۷ بودند و چند هزار درهم از پول‌های امام نردشان بود. بعد از شهادت امام کاظم ۷ برای این که این پول‌ها را بالا بکشند منکر امامت امام رضا ۷ شدند و گفتند امام زنده است و همان امام آخر است و

قیام می‌کند، ما هفت امام بیشتر نداریم. فرقه‌ای درست شد به نام واقفیه. یکی از کسانی که علیه این‌ها قیام کرد «یونس ابن عبدالرحمن» از اصحاب خاص امام کاظم و امام رضا : است. آمدند نزد او و پول زیاد پیشنهاد کردند تا فقط سکوت کند، گفت: از مولایم امام صادق **۷** شنیدم «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ» وقتی فتنه در جامعه می‌آید، وقتی بدعت در جامعه می‌آید عالم باید علمش را آشکار کند. من فریاد می‌زنم. (عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۳)

پیامبر اکرم **۹** در دوران جوانیش در پیمان «حلف الفضول» شرکت کرده بود چون آن پیمان برای دفاع از حق بود و بعدها برای شرکت در آن به خودش می‌بالید.

**۲- دوم تعاون فکری:** گاهی اندیشه‌های یک کسی دچار انحراف شده باید رفت صحبت کرد باورهای او را اصلاح کرد. یکی از ویژگی‌های ائمه ما این بوده که هدایت‌گر بودند، مصلح بودند. باورهای جوانانی به هم ریخته و شبهه‌هایی برایشان پیدا شده، تعاون کنیم با هم، دست به دست هم بدهیم، کتاب بنویسیم، مقاله بنویسیم، با ایشان حرف بزنیم، این می‌شود تعاون. همین هشام ابن حکم معروفی که در مناظرات یک‌ه تاز بود، در بحث‌های امامت کسی به پای او نمی‌آمد، ایشان اولش جزء مرجعه بود، یک دایبی داشت دستش را گرفت آوردش خدمت امام صادق **۷** یک چند جلسه‌ای با حضرت نشست، عوض شد، تغییر کرد. این می‌شود تعاون بر اندیشه و فکر و اصلاح یک باور در جامعه. در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲) اگر یک نفر را زنده کنی، مثل این است که دنیایی را زنده کردی. در روایت دارد یعنی کسی را هدایت کنی، کسی را از گمراهی نجات بدهی. در نبرد خیبر وقتی پیامبر **۹** پرچم را داد دست حضرت علی **۷** تا قلعه را فتح کند، وقتی امام داشت می‌رفت، پیامبر **۹** صدایش کرد و فرمود: «علی جان یک نفر را بتوانی هدایت کنی، از همه دنیا و آنچه که در آن است با ارزش‌تر است».

در جنگ صفین امیرالمؤمنین **۷** جنگ را شروع نمی‌کرد، بعضی از سپاهیان آمدند خدمت حضرت و گفتند شما می‌ترسید یا شک دارید؟ شاید شما این‌ها را مسلمان می‌دانید؟ حضرت لبخندی زد و فرمود: «اول این‌که علی و ترس؟! من اگر می‌ترسیدم باید در جوانیم می‌ترسیدم الان که شصت سالم است، تردید هم در کفر این‌ها ندارم، اگر قرار بود تردید کنم در جمل تردید می‌کردم که اصحاب پیامبر بودند، می‌دانید من چرا این دست و آن دست می‌کنم و جنگ را شروع نمی‌کنم، بلکه یکی از این‌ها هدایت بشود».

یکی از نکات مهم روز عاشورا در قیام امام حسین **۷** هم همین است، خیلی موعظه کرد، خیلی نصیحت کرد، بلکه یک حرّی پیدا بشود بس است. در حالی که بعضی‌ها گفتند تا ۳۰ نفر هم آمدند و به امام پیوستند. این نکته دقیقی است که ما توجه کنیم به تعاون بر اصلاح یک اندیشه، اصلاح یک باور، که آن چیزی است که ائمه ما همیشه به دنبالش بودند.